

بررسی روابط ایران و امریکا از منظر مؤلفه‌های قدرت هوشمند

امید افخمی^۱

ابومحمد عسگرخانی^۲

ابراهیم متقی^۳

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۲۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

چکیده

رفتار سیاست خارجی واکنشی به محرک‌های داخلی و خارجی است که به صورت حلقه‌های یک زنجیر به هم ارتباط دارند. وجود متغیرهای گوناگون و تأثیرگذار بر روند تصمیم‌گیری، باعث شده است که امکان تعمیم رفتار سیاست خارجی برخی از کشورها امکان‌پذیر نباشد. بنابراین، با مطالعه کلان‌روندها و پیشران‌ها می‌توان نسبت به شناخت تغییرات در روابط خارجی کشورها اقدام نمود. هدف از این تحقیق، بررسی و تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های قدرت هوشمند در روابط فی‌مابین ایران و امریکاست. در این راستا، نقش مؤلفه‌های قدرت، فرهنگ و قدرت هوشمند که تا به حال در برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و... جدی گرفته نشده بودند، برجسته خواهد شد. مهندسی روابط بین‌الملل به کمک نرم‌افزارهای تحلیلی و آماری با استفاده از داده‌های میدانی در قالب مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها و همچنین مطالعات اسنادی در حوزه علوم انسانی و نیز روش پانل خبرگان به ندرت انجام گرفته است. در این بررسی، به‌طور هم‌زمان چند متغیر تأثیرگذار در این حوزه توسط نرم‌افزار به صورت کاملاً نوآورانه مورد استفاده قرار گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مصاحبه عمیق کیفی بوده و روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها با بهره‌گیری از روش دلغی و طیف لیکرت انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های قدرت و فرهنگ هر یک از ابعاد مختلفی تشکیل شده‌اند و این ابعاد از لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر روابط ایران و امریکا متفاوت هستند.

کلید واژه‌ها

سیاست خارجی؛ روابط بین‌الملل؛ امریکا؛ قدرت هوشمند؛ واقع‌گرایی نئوکلاسیک

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل گروه حقوقی و علوم سیاسی، مرکز آموزش بین‌الملل، واحد علوم

afkhani.o@yahoo.com

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

asgarkha@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

emottaghi@ut.ac.ir

۳. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

نظریه‌های سیاست خارجی در پی توضیح این مطلب هستند که دولت‌ها در حوزه خارجی خود به دنبال چه بوده‌اند و چه زمانی در صدد به دست آوردن آن هستند. گرچه برخی چون «والترز»، معتقد هستند که سیاست خارجی توسط عوامل داخلی و خارجی هدایت می‌شود، بنابراین، نمی‌توان در پی توصیف نظری آن بود. البته دیگرانی هستند که به رد این تردید پرداخته و در نتیجه، تلاش‌های اخیر آنها در ساختن یک نظریه کلی از سیاست خارجی، به ایجاد مکاتب فکری متعدد از جمله نظریه «واقع‌گرایی نئوکلاسیک» انجامیده است (Ripessmann, 2009: 48).

واقع‌گرایی «نئوکلاسیک» ضمن باور به اینکه فهم اکثر امور جاری روابط بین‌الملل بر عهده نظریه سیاست خارجی است، با درگیر نمودن هم‌زمان متغیرهای داخلی و متغیرهای بیرونی، دیدگاه سازمان یافته به خصوص از تفکر واقع‌گرایی «کلاسیک» را به وجود آورده است. این نظریه پردازان ضمن توجه به این نکته که تأثیر متغیر بیرونی نظام بین‌المللی بر سیاست خارجی کشورها پیچیده است، به نحوی که فشارهای سامانه‌ای (سیستمی) از طریق متغیرهای مداخله‌گر بر سطح واحد ترجمه می‌شوند، بر نقش تعیین‌کننده مؤلفه‌های داخلی بر سیاست خارجی کشورها تأکید می‌نمایند. در میان نظریه‌های روابط بین‌الملل، «واقع‌گرایی نئوکلاسیک» به دلیل اهمیتی که به مؤلفه‌های درونی هر کشور می‌دهد، می‌تواند چارچوب مناسبی برای تحلیل سیاست خارجی ایران در قبال امریکا به دست دهد.

بنابراین، سؤال اصلی این مقاله آن است که ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت هوشمند ایران در رابطه با امریکا در چارچوب نظریه واقع‌گرایی «نئوکلاسیک» کدامند؟ در واقع، با این بررسی، قصد داریم تا میزان اثربخشی مؤلفه‌های داخلی از جمله قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای ایران در ساماندهی روابط ایران و امریکا را بسنجیم. همچنین، چگونگی نقش زبان و فرهنگ (مبادلات فرهنگی) در ساماندهی روابط ایران و امریکا بررسی خواهد شد. و در نهایت، چگونگی نقش و اهمیت قدرت هوشمند با توجه به پیچیدگی‌های مسائل امنیتی، فرهنگی - سیاسی و اقتصادی در روابط فیما بین ایران و امریکا بررسی می‌شود.

روابط ایران و آمریکا از اواسط قرن نوزدهم میلادی آغاز شد. این روابط از سال ۱۹۴۴ تا انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ برقرار بود. از ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ و پس از بحران گروگان‌گیری که آمریکا رابطه سیاسی خود با ایران را قطع کرد؛ هرگونه امکان عادی‌سازی روابط دو کشور منتفی بود (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۳). در واقع، پس از پیروزی انقلاب، دو کشور در چند مورد محدود روابط سیاسی و نظامی محرمانه‌ای با یکدیگر برقرار نموده بودند؛ همانند ماجرای «مک‌فارلین». اما ایران و آمریکا تا ۷ خرداد ۱۳۸۷ که شروع ۳ دور مذاکرات فرستادگان ایران و آمریکا در بغداد بر سر برقراری صلح در عراق بود که البته به دلیل اختلاف نظرهای شدید دوطرف، ناکام باقی ماند، مناسبات رسمی دیگری با یکدیگر نداشتند. شعار ترویج دموکراسی از همان ابتدای تشکیل دولت آمریکا خصوصاً پس از «ویلسون» مورد توجه دولت‌مردان این کشور بوده است. آمریکا مدعی است همواره با یک نگاه ارزش‌مدارانه به «لیبرال‌دموکراسی» نگریسته و گسترش و ایجاد آن را در سراسر جهان به کمک قدرت سخت و نرم، چیزی که امروزه آن را تحت عنوان قدرت هوشمند مطرح کرده‌اند، مورد توجه قرار داده است (بریکمون، ۱۳۸۷: ۳۷).

بهره‌گیری از این نوع نگرش در ایدئولوژی لیبرال دموکراسی در سیاست خارجی آمریکا مشهود است و در راستای سیاست رسالت‌مدارانه‌ای که برای خود تعریف کرده است؛ گسترش دموکراسی را به‌عنوان بزرگترین رسالت خود مطرح می‌نماید. آمریکا ادعا دارد که از جمله اولین کشورهایی است که توانسته ضرورت‌های مربوط به حقوق بشر و دموکراسی را در ادبیات سیاسی خود گسترش دهد. به همین سبب وظیفه دارد آن را در سراسر جهان گسترش دهد. بنابراین، این امر، عاملی برای انجام مداخلات گوناگون آمریکا در کشورهای مختلف شده است. همچنین «ویلسون» رئیس‌جمهور سابق آمریکا در گزارشی به کنگره اعلام کرد که آمریکا باید یک جهان امن برای دموکراسی ایجاد کند؛ این بدان معناست که آمریکا با بهانه ترویج دموکراسی و دفاع از حقوق بشر در سرتاسر جهان به دخالت بپردازد (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

مقاله رابطه ایران با آمریکا؛ امکان یا امتناع؟ نوشته جعفری موحد از منابعی است که ضمن تحلیل روندهای حاکم بر روابط ایران و آمریکا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، به بررسی پیشران‌های تأثیرگذار بر روندهای موجود پرداخته و به دنبال پاسخ به این پرسش مهم

است که باتوجه به استمرار پیشران‌های تأثیرگذار بر روابط ایران و امریکا آیا امکان بهبود روابط میان دو کشور در آینده نزدیک وجود دارد؟ (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

در این پژوهش، روابط ایران و امریکا از منظر قدرت هوشمند بررسی شده است. قدرت هوشمند از مفاهیم جدید در علوم روابط بین‌الملل تلقی می‌شود و اولین بار توسط امریکایی‌ها مطرح شد. مبدع واژه قدرت هوشمند، خانم «سوزان ناسل»^۱ و توسعه‌دهنده و مفسر آن، ریچارد آرمیتاژ شناخته شده است. برای بررسی تأثیر قدرت هوشمند در روابط ایران و امریکا از رویکرد آینده‌پژوهی استفاده شده است.

شناخت آینده همواره بخشی از میل دیرینه انسان برای درک دنیای پیرامون خود بوده است. امروزه به رغم تلاش‌های فراوان و به‌کارگیری دانش و فناوری، در راه درک چشم‌اندازهایی از فردای جهان، گام‌هایی کوچک برداشته شده است. مجموعه این گام‌ها دانش نوینی پدید آورده که آینده‌پژوهی نام گرفته است. درک بهتر از آینده یک سامانه مانند یک سازمان یا یک کشور یا حتی یک فناوری و یا روابط فیما بین دو کشور، هنگامی رخ می‌دهد که سامانه را به‌طور عمیق‌تر مورد بررسی قرار داده و آثار روندهای مؤثر بر آن روشن شود. قدرت این نوع تحلیل اثر متقابل این است که کمک می‌کند تا فرض‌ها نسبت به آینده روشن شود و ایده‌های متناقض شناسایی شود. نکته بسیار مهم دیگر این است که تصویر روشنی از اینکه کدام روندها و پیشران‌ها پیش‌برنده و کدام وابسته‌اند، به‌دست می‌آید.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم قدرت هوشمند

قدرت هوشمند، بعد جدیدی از قدرت است که توانایی اقتصادی و نظامی را شامل می‌شود.^۲ به عبارتی، قبل از جنگ جهانی اول، توان‌ترین ابزار تلقی می‌شد. «جوزف نای» معتقد است اگرچه نیروی نظامی امریکا، بهترین نیروی جنگی است، اما بسیاری از مشکلات امروز، راهکار نظامی نیاز ندارد. به‌عنوان مثال، برای مبارزه با القاعده یا تغییرات آب و هوایی، ابزار

1. Nassel

۲. توضیح نشریه سیاست دفاعی: قدرت هوشمند حاصل همگرایی و هم‌افزایی توان نرم و سخت می‌باشد.

غیرنظامی مؤثر و کارآمدتر است. بنابراین، امروزه هزینه‌کردن برای قدرت سخت، لزوماً امنیت را افزایش نمی‌دهد. قدرت هوشمند، ترکیب هوشمندانه از قدرت سخت و نرم است. منظور از ترکیب هوشمندانه منابع قدرت سخت و نرم باتوجه به شرایط محیطی و زمانی است. منظور از منابع نرم، آن دسته از منابع قدرتی است که در نهایت استعداد و توان جذب بازیگر را شکل می‌دهند و شامل مؤلفه‌هایی، چون اغوا، شیفتگی، دوست داشتن و... می‌شود که ویژگی محوری آنها پذیرش و شکل عمومی آنها اقتدار است (عباسی، ۱۳۹۲).

«سوزان ناسل» (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای در مجله «فرین پالیسی»، راهکار قدرت نرم «جوزف نای» را برای مقابله جدی با تهدیدات پیش روی آمریکا، ناکارآمد دانست و پیشنهاد مفهوم جدیدی با عنوان قدرت هوشمند به معنای ترکیب قدرت نرم و سخت را ارائه نمود. نظریه قدرت هوشمند «جوزف نای» از جمله نظریه‌هایی است که برای کمک به حفظ برتری آمریکا در قرن ۲۱ و بازتعریف جایگاه جهانی آمریکا، توسعه یافته و در سال ۲۰۰۷ در قالب طرحی با کمک «ریچارد آرمیتاژ» از مسئولان اسبق وزارت خارجه آمریکا در یک گزارش راهبردی توسط CSIS منتشر شد (برزگر، ۱۳۸۹: ۸۴).

«نای»^۱ (۲۰۰۴)، معتقد است که وی برای اولین بار اصطلاح قدرت نرم را در دهه نود میلادی به کار برده است.^۲ قدرت نرم از نظر او در طرح «مارشال» شکل گرفت. اما برخی معتقدند که با آغاز به کار شبکه‌هایی چون بی‌بی‌سی و پخش‌های جهانی و بیست و چهار ساعته رادیویی، قدرت نرم جلوه نموده است. قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه که همان فرهنگ و «ایدئال‌های» سیاسی تلقی می‌شود.

«جوزف نای»، دیپلماسی عمومی را به عنوان سیاستی تشریح می‌کند که قدرت نرم نامیده می‌شود. وی می‌گوید: "قدرت نرم، توان و داشتن دیگران به امری است که شما می‌خواهید. این قدرت جذب است به جای متوسل شدن به تهدید یا زور. قدرت نرم، متکی بر اغوای مردم است تا نتایج خاصی را به بار آورد". قدرت هوشمند، ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت

1. Nye

۲. توضیح نشریه سیاست دفاعی: واژه ویژه «قدرت نرم» نخستین بار توسط اندیشمند ایرانی حمید مولانا در مقاله‌ای که در نشریه واشنگتن تایمز منتشر شد به کار گرفته شده است.

است و به عبارت دیگر، هرکدام از این دو جنبه از قدرت بدون دیگری ناقص تلقی می‌شود. در قدرت هوشمند، توانایی نظامی، باز تعریف می‌شود. قدرت سخت با توانایی و قدرت نظامی، همگام است اما زمانی که قدرت سخت از طریق رویه‌های نرم به کار گرفته می‌شود، قدرت هوشمند تولید می‌نماید (Nye, 2004: 247).

«الان چونگ» در مقاله «در آمدی بر نیروی نظامی و قدرت هوشمند» بر این باور است که قدرت هوشمند از دو عنصر تشکیل شده است: تلاش برای ساختن جامعه میان حکومت‌ها و بین حکومت‌ها و بازیگران غیردولتی؛ و همچنین میل به استفاده پاک‌تر از قدرت در عرصه بین‌الملل (Chong, 2015: 239).

راهبرد قدرت هوشمند با به‌کارگیری اهداف مشخص، سلطه و هژمونی موردنظر خود در درک عامل تغییر در بهره‌گیری از آن برای خود و هم‌پیمانان و متحدان و بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی را بازتعریف می‌کند. جهان با پدیده آگاهی و رشد دانش و دانایی روبه‌روست. نقش «انقلاب انفورماتیک» در زمانه انفجار اطلاعات توانسته است آگاهی خودبنیادی برای تجلی بلوغ افکار عمومی را به‌همراه داشته باشد. لذا می‌توان مدعی بود که تأثیر و نفوذ قدرت هوشمند و یا قدرت نرم الزاماً با توپ و تانک و جنگ‌افزارهای پیشرفته به‌دست نمی‌آید. اینجاست که مشروعیت قدرت به توانمندی حرفه‌ای و تأثیرگذاری حداکثری بدون توسل به زور پدیدار می‌شود. افکار عمومی زمانی می‌تواند شکل بگیرد که قدرت هوشمند در ایجاد منطق آگاهی عمومی مردم در ترسیم اولویت‌ها و درک منافع ملی و سره از ناسره را کاملاً از دل و جان بتواند بدون کم‌ترین هزینه جا بیندازد (آشنا، ۱۳۹۰: ۵۱). مشروعیت قدرت هوشمند از این خودانگیزی‌ها و خودآگاهی‌ها به‌دست می‌آید و حتی مشروعیت در مدیریت هزینه‌ها هم کارسازی می‌شود. راهبرد نظامی صرف، نه‌تنها کارایی ندارد، بلکه در قدرت هوشمند نیز کاربرد نخواهد داشت. باید پذیرفت مدیریت افکار عمومی و شکل‌دهی به آن، مشروعیت‌سازی یک هدف با راهبرد مشخص، دغدغه و کارکرد اصلی قدرت هوشمند است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

زیرساخت قدرت هوشمند را "عقلانیت ماهوی" تشکیل می‌دهد، درحالی‌که قواعد و قالب‌های قدرت سخت افزاری را "عقلانیت ابزاری" و همچنین قدرت نرم‌افزاری را می‌توان

در نشانه‌هایی از "عقلانیت ارتباطی" مورد ملاحظه قرار داد. در چنین وضعیتی، قدرت هوشمند زمانی شکل می‌گیرد که عقلانیت ماهوی بتواند زمینه‌های کنترل عقلانیت ارتباطی و عقلانیت ابزاری را فراهم کند (متقی، ۱۳۸۷: ۵۸).

قدرت هوشمند سه ابزار مهم دارد که عبارتند از توسعه، دیپلماسی و دفاع. البته برخی نیز معتقدند که منابع قدرت هوشمند شامل دیپلماسی، اقتصاد، عوامل نظامی، سیاسی و ابزارهای فرهنگی است.

کشوری که از قدرت هوشمند استفاده می‌کند، برای بالابردن ضریب اعتبار از یکسو و نیز همراهی با افکار عمومی داخلی و خارجی، باید سعی کند نقاط منفی خود را، که قبل از این اتفاق افتاده، به هر نحوی از بین ببرد تا بتواند اعتماد کشور مقابل و افکار عمومی و باورپذیری آنها را به دست آورد. اجرا و پیاده‌نمودن قدرت هوشمند در راهبردهای دولت‌ها نیازمند این است که کشور مجری از اقتدار و قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بالایی برخوردار باشد. این توانایی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و به‌ویژه نظامی باید به‌صورت روشن و ملموس نشان داده شود.

ضرورت قدرت هوشمند

نظریه‌پردازان در دهه‌های اخیر قدرت را باتوجه به شاخص‌ها و معیارهای تکثیر یافته آن مورد بررسی قرار دادند تا بتوانند زوایای مختلف را مورد کنکاش قرار داده و با یک مطالعه تطبیقی به قدرت مطلوب خویش دست یابند. طرح مفهوم قدرت را باید پاسخی به تهدیدها، مخاطرات و محدودیت‌هایی دانست که در کاربرد قدرت ایجاد می‌شود، از آنجاکه تهدیدها در عصر جهانی شدن، ماهیتی پیچیده، فراگیر و سازمان‌یافته دارند، برای مقابله با چنین شرایطی، الگوهای کاربرد قدرت نیز باید تغییر یابند به گونه‌ای که اشکال و ابزارهای قدرت نیز در وضعیت تغییر، بازسازی و بهینه‌سازی قرار می‌گیرند. می‌توان قدرت هوشمند را به‌عنوان شکل تکامل یافته مؤلفه‌ها و موضوعات قدرت سیاسی و راهبردی در نظر گرفت. هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار بازیگران داشته باشند. در چنین روندی، قدرت نرم مکمل قدرت سخت است؛ به‌طوری‌که بی‌توجهی به قدرت نرم می‌تواند قدرت سخت را تضعیف کرده و راهبرد قدرت را به‌نحو محسوسی تضعیف کند. قدرت هوشمند به‌معنای

توسعه یک راهبرد عمل‌گرایانه مبتنی بر منابع و ابزارهای مناسب، برای تحقق اهداف در قرن جدید است؛ ضمن اینکه قدرت نظامی را تولید می‌کند، بر ائتلاف، همکاری و کارکرد نهادها در تمامی سطوح برای افزایش نفوذ و نهادینه‌کردن مشروعیت در سطح جهانی نیز توجه دارد. این امر نشان می‌دهد که دولت‌ها از انگیزه زیادی برای بهره‌گیری از قدرت هوشمند برای مقابله با تهدیدهای متنوع و پراکنده برخوردارند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

می‌توان گفت که دلیل توجه کنونی به قدرت هوشمند این است که جوامع هدف، خود هوشمندتر شده‌اند. با گسترش روزافزون تحصیلات عالی و متوسطه و دسترسی به رسانه‌های بیشتر؛ مردم آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بسیار ثروتمندتر، پیشرفته‌تر و در مورد جامعه خود و دیگر جوامع آگاه‌تر شده و دیگر به‌سادگی تحت تأثیر اعمال قدرت نرم یا سخت قرار نمی‌گیرند.

اصول قدرت هوشمند

قدرت هوشمند دارای یک سلسله اصول به شرح زیر است:

۱. ایجاد هم‌پیمانی و تعمیق منافع با متحدین و مخالفین (شبکه متحدین): براساس این اصل، دولت‌هایی که می‌خواهند از قدرت نرم استفاده نمایند، هم‌پیمانی هستند که در اجرای آن، آنها را کمک می‌نمایند. این امر به دو صورت اجرا می‌شود:

الف. تقویت روابط با هم‌پیمانان قبلی در جهت تعریف منافع مشترک؛

ب. تعریف منافع مشترک و بعضاً معامله با کشورهایی که مخالف هستند، ولی می‌توانند با ترسیم این دو بعد ما را در رسیدن به اهداف خود یاری برسانند.

در هر صورت، باتوجه به این اصل، هرگونه تک‌روی و یکجانبه‌گرایی در اجرای قدرت هوشمند از سوی کشورها فراموش خواهد شد.

۲. تقویت و یا ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای: در راستای این اصل، کشورها برای اینکه بتوانند مشروعیت بین‌المللی و منطقه‌ای خود را افزایش دهند و همچنین در داخل، میزان اعتماد و اعتبار خود را بین شهروندان افزایش دهند، نیازمند این هستند که از تصمیمات و راهبردهای آنها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حمایت کنند و آنها را در رسیدن به اهداف خود یاری نمایند که این امر سه حسن دارد:

الف. مشروعیت بخشیدن به اعمال خود؛

ب. توجیه افکار عمومی جهان؛

ج. استفاده از توان کشورهای عضو آن سازمان‌ها.

۳. دیپلماسی: دیپلماسی را به‌عنوان فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین‌المللی و همچنین حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق مسالمت‌آمیز تعریف کرده‌اند که در اتخاذ راهبرد قدرت هوشمند، دیپلماسی از اولویت اساسی برخوردار است. اگرچه باید توجه کرد که دیپلماسی اگر همراه با اقتدار نباشد، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

۴. واقع‌گرایی و نیز توجه به حقایق و شواهد متیقن: در راستای بررسی اصول قدرت هوشمند، انعطاف‌پذیری و قبول واقعیت‌ها یکی از اصول اساسی است. وجود تعصبات احساسی و یا عدم آگاهی درست از طرف مقابل در ابعاد مختلف می‌تواند روند اجرایی راهبرد قدرت هوشمند را تضعیف نماید. برای رسیدن به این امر لزوم اتخاذ یک دیپلماسی نزدیک با طرف مقابل برای به‌دست آوردن حقایق و آگاهی از نیات او پیش‌شرط مهمی است (تولایی، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

منابع قدرت هوشمند

منابع قدرت، شیوه‌هایی است که از طریق آنها شخص می‌تواند بر رفتار دیگران تأثیر بگذارد و یا نفوذ داشته باشد؛ یعنی استفاده از همه فرصت‌ها، کارها، اشیاء و غیره تا بتوان بر رفتار دیگران تأثیر گذاشت. البته فهرست این منابع پایان‌پذیر نیست و نمی‌توان حدومرزی برای آنها تعیین کرد، زیرا عوامل مادی و معنوی که منبع قدرت هستند با توجه به شرایط و بسترهایی که قدرت در آن اعمال می‌شود، تغییر می‌کنند.

در فضایی که قدرت هوشمند مطرح شده، رهیافت‌های جدیدی برای کنترل جهان است، لذا پیمودن فرایندهای متنوع از اهمیت لازم برخوردار بوده و به این ترتیب زمینه برای بهره‌گیری از تنوع ابزاری به موازات تنوع الگویی فراهم می‌شود. در چنین فضایی، قدرت هوشمند بیانگر روابط پیچیده بین‌المللی جدیدی است که حوزه‌های ابزاری را به عرصه‌های کنش راهبردی پیوند می‌دهد.

تولید هرگونه نشانه قدرت، نیازمند بهره‌گیری از منابع مادی است. شاخص‌های مادی قدرت در نظریات ارائه‌شده توسط اندیشمندان کلاسیک مشاهده می‌شود. به‌طورکلی، عینی‌ترین نشانه هرگونه قدرت را منابع مادی آن تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین منابع مادی قدرت هوشمند عبارتند از: منابع مالی و سرمایه‌ای، منابع انسانی و طبیعی و توان اقتصادی و نظامی بالا. فناوری یکی دیگر از منابع مادی قدرت هوشمند به حساب می‌آید. به هر میزان که کشورها از ظرفیت بیشتری برای بهره‌گیری از فن آوری و تولید ابزارهای مدرن برخوردار باشند، طبیعی است که آنان قادر خواهند بود تا در رقابت با سایر بازیگران از جایگاه مطلوب‌تری برخوردار شوند. هم‌اکنون حوزه‌های فناوری در ارتباط با منابع قدرت هوشمند، شامل فناوری‌های حساس برای تولید و بازپروری مواد، ساخت و تبدیل کالاهای راهبردی در حوزه‌های نظامی، زیست‌محیطی و اقتصادی می‌باشد. نظریه‌پردازان قدرت هوشمند براین باورند که می‌توان از طریق چنین ابزارهایی به نتایج و مطلوبیت‌های مؤثری برای کنترل جهان نایل آمد، در این ارتباط امریکایی‌ها صرفاً از دو هزار فناوری نظامی بهره می‌گیرند. طبعاً فناوری‌های نظامی در حوزه‌های مختلف اقتصادی نیز دارای آثار، نتایج و کاربردهای مؤثر و تعیین‌کننده خواهد بود. بهره‌گیری از ابزارهای قدرت فنی می‌تواند جایگاه و موقعیت ویژه و تعیین‌کننده‌ای برای واحدهای سیاسی ایجاد کند. این فناوری‌ها شامل فناوری‌های حساس برای تولید و بازپروری مواد، ساخت و تبدیل کالاهای راهبردی در حوزه‌های نظامی، زیست‌محیطی و اقتصادی است (متقی، ۱۳۸۷: ۵۹).

برای قدرت هوشمند، منابع مجازی نیز تعریف شده است. منابع مجازی، نخستین بار در چهارچوب معادله قدرت نرم ارائه شد، شاخص‌های قدرت مجازی را موضوعاتی همانند فناوری ارتباطی و فناوری اطلاعاتی تشکیل می‌دهند (متقی، ۱۳۸۷: ۶۰).

پردازش داده‌ها

در این مقاله، برای بررسی روابط ایران و امریکا از منظر قدرت هوشمند از روش تحلیل تأثیر متقابل استفاده شده است. برای رسیدن به درک این مسئله که چگونه می‌توان متوجه شد که کدام روند تأثیر بیشتری بر آینده سامانه مورد مطالعه دارد و یا کدام روندها بیشتر تأثیرپذیر

هستند؛ بهره‌گیری از روش تحلیل اثر متقابل یا روش تحلیل تأثیر بر گذر مقاطع^۱، یک رویکرد کارا و مفید خواهد بود. در بیشتر رویکردهای علمی از تحلیل تأثیر متقابل به منظور بررسی احتمال «سناریوها» استفاده می‌شود. تدوین سناریو، مبنای تحلیل برنامه‌ریزان و مدیران را در مراحل بعدی برنامه‌ریزی فراهم می‌کند.

ابزار این بررسی، نرم‌افزار «میک مک»^۲ است. در ادامه، این روش تشریح و نتایج مدل‌سازی روابط ارائه شده است.

تحلیل ساختاری با استفاده از روش تحلیل تأثیر متقابل

تحلیل اثر متقابل، روشی برای تشخیص روابط متقابل دو سامانه است. به طوری که تأثیر هر روند بر روندهای دیگر درجه‌بندی می‌شود. به عبارت دیگر، تحلیل اثر متقابل، یک روش نیمه کمی است که در آن، به جای روابط علت و معلولی ساده، روابط متقابل بین خرده سامانه‌های مختلف، در یک جدول مقایسه (ماتریس)، تحلیل می‌شوند. تحلیل اثر متقابل، به عنوان یک ابزار تحقیقاتی در مورد آینده، نقش شاخص یک متغیر را در ارتباط با سایر متغیرهای درون یک سامانه آشکار ساخته و آن دسته از متغیرهایی را که نقش مهم و معناداری در توسعه سامانه در آینده ایفا می‌کنند، شناسایی می‌کند. اطلاعاتی که این روش تأمین می‌کند، تصویری از اثر متقابل بین روندها و متغیرها با همان درجه اهمیت است. در واقع، تصویری است از اینکه چه چیز وابسته و چه چیز مستقل است، چه چیز پیشران و چه چیز توسط امور دیگر پیش برده می‌شود. همچنین، روش تحلیل اثر متقابل در شناسایی متغیرها و روندهای کلیدی بسیار مفید است. ویژگی مهم برای یک متغیر، داشتن ارتباط قوی با سامانه است که با تعداد و شدت این ارتباطات سنجیده می‌شود. متغیرهایی که چنین ویژگی دارند، «متغیرهای کلیدی» نامیده می‌شوند. از آنجا که هرگونه تغییر در متغیرهای کلیدی، کل سامانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید در آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرند (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۵: ۱۲).

تحلیل تأثیر متقابل هنگام تحلیل کیفی مسائل پیچیده، ابزار بسیار سودمندی است. پس از انتخاب تعدادی پیشران یا عامل تغییر، نوبت به ترکیب آنها می‌رسد. در اینجا نیاز به استدلالی

1. Cross Impact Analysis
2. Micmac

کیفی است برحسب اینکه اگر این اتفاق یا آن اتفاق رخ دهد، چه خواهد شد؟ این اتفاق به چه رویدادهایی منجر می‌شود و چه چیزی می‌تواند آن را تا آن نقطه پیش برد. ساده‌ترین راه برای انجام این کار، ترکیب نظام‌مند دو عامل در یک زمان و افزودن دیگر عوامل، در ترکیب‌های مناسب است. نتیجه این فرایند، پیدایش چندین سناریو خواهد بود که در آن توالی وقوع رویدادها براساس تنظیمات ارزش‌های روندها صورت خواهد گرفت. این توانایی، الگوی تعاملی اثر متقابل را به تکنیکی برای تحلیل اکتشافی تبدیل می‌کند.

روش تحلیل اثر متقابل، ذاتاً یک روش ترکیبی یا آمیخته است. محقق باید در شناسایی فهرست اولیه عوامل کلیدی، علاوه بر مطالعات گسترده کتابخانه‌ای، از یکی از روش‌های مصاحبه، پانل و یا دلفی استفاده نماید که هرکدام از این روش‌ها نیاز به توانایی‌های خاص خود را دارند. بنابراین، پژوهشگر باید با روش‌های تحقیق کیفی، نحوه نمونه‌گیری و چگونگی اندازه‌گیری روایی و پایایی این روش‌ها آشنایی داشته باشد (برای مثال، ممکن است برای تهیه فهرست اولیه از متغیرهای کلیدی از روش دلفی و یا پانل خبرگان استفاده شود و متغیرهای کلیدی شناخته‌شده توسط این روش نهایتاً در برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو مورد استفاده قرار گیرند). همچنین، تشکیل ماتریس اثر متقابل نیاز به یک جلسه پانل خبرگان دارد که مدیریت جلسه و تشویق خبرگان به اظهارنظر، کاملاً به دانش و توانایی محقق وابسته است.

آینده‌نگاری از بخش‌های مهم برنامه‌ریزی است و با پیچیده‌شدن روابط بین پدیده‌ها، تحلیل آن مشکل شده است. بنابراین، به نرم‌افزارهایی نیاز است تا این کار را ساده نمایند. در مطالعات آینده‌پژوهی و سناریونویسی به‌طور معمول پژوهشگر با حجم زیادی از داده‌ها سروکار دارد؛ به طوری که انجام محاسبات پیچیده به‌صورت دستی و سنتی کاری طاقت‌فرسا و وقت‌گیر و گاه ناممکن است. بنابراین، به‌کارگیری یک نرم‌افزار مناسب می‌تواند تجزیه و تحلیل داده‌ها را آسان کند. به‌منظور تحلیل ماتریس اثر متقابل تشکیل شده می‌توان از نرم‌افزار میک‌مک استفاده کرد. این نرم‌افزار خروجی‌های مختلفی را از اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر ارائه می‌دهد و درنهایت می‌توان با استفاده از آن متغیرهای کلیدی، آینده را شناسایی کرد. برای استفاده از روش تحلیل تأثیر متقابل در این تحقیق، گام‌های زیر طی شده است:

۱. تهیه فهرست پیشران‌ها یا متغیرها به‌عنوان روندهایی با جهت‌های معین؛

۲. تهیه ماتریس قطری n در n به تعداد پیشران‌ها (روندها)؛

۳. قضاوت در مورد اینکه روند A تا چه حد بر روند B تأثیر خواهد داشت. این تأثیر معمولاً با عددی در مقیاس صفر تا ۳ مشخص می‌شود. به طوری که عدد صفر بدون تأثیر، عدد ۱ تأثیر کم، عدد ۲ تأثیر متوسط و عدد ۳ تأثیر زیاد را نشان می‌دهد.

۴. جمع‌بندی نتایج؛ در این جمع‌بندی، جمع هر ردیف میزان قدرت پیش‌برندگی متغیر را نشان می‌دهد؛ این بدان معناست که این متغیر تا چه اندازه، متغیرهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جمع هر ستون، سطح وابستگی هر متغیر را نشان می‌دهد.

۵. رسم روندها (متغیرها) روی یک نمودار. این نمودار طوری است که وابستگی را در یک محور و پیشرانی را در محور دیگری نشان می‌دهد.

ذکر این نکته ضروری است که تحلیل ماتریس تقاطع توسط نرم‌افزار میک‌مک در شش مرحله صورت می‌گیرد:

۱. درک سامانه‌ای و مشاهده پایداری یا ناپایداری سامانه؛

۲. شناسایی تأثیرات غیرمستقیم متغیرها؛

۳. شناسایی عوامل و پیشران‌های اصلی و استفاده از آنها در سناریونویسی؛

۴. درک کلی از سامانه و پرهیز از تحلیل جزئی؛

۵. شناسایی عوامل ناپایدارکننده سامانه؛

۶. شناسایی محیط به‌واسطه سنجش تأثیرگذاری.

مؤلفه‌های محاسباتی در این تحقیق عبارتند از:

۱. ماتریس تأثیرات مستقیم^۱

ماتریس تأثیرات مستقیم، روابط مستقیم بین متغیرهای یک سامانه را توصیف می‌کند و برای تهیه ماتریس، باید جدولی را براساس قوانین ذکرشده در جدول ۱ تهیه کرد. در واقع، شدت روابط، براساس طیف زیر تعیین می‌شود. نحوه پرکردن جدول مربوط به این ماتریس، بدین شکل است که کارشناسان در جلسات هم‌اندیشی میزانی را برای تأثیر متقابل هریک از متغیرها در نظر می‌گیرند.

1. MDI

جدول ۱. تعریف طیف‌ها و کدهای مربوطه در نرم‌افزار میک‌مک

کد مربوطه در نرم‌افزار میک‌مک	طیف (قانون)
۰	بدون تأثیر
۱	تأثیر ضعیف
۲	تأثیر متوسط
۳	تأثیر قوی
P	تأثیر بالقوه

۲. ماتریس تأثیرات مستقیم بالقوه^۱

ماتریس تأثیرات مستقیم بالقوه، نشان‌دهنده تأثیرات فعلی و بالقوه و نیز وابستگی‌های بین متغیرهاست. در واقع، این ماتریس، ماتریس MDI را با توجه به روابط آینده که قابل پیش‌بینی هستند؛ تکمیل می‌کند. ماتریس MPDI از ماتریس MDI آینده‌نگرتر به نظر می‌رسد و برای پیش‌بینی آینده مناسب‌تر است. در نرم‌افزار میک‌مک به طور معمول دو تحلیل ساختاری انجام می‌شود. اولین اقدام با شروع از ماتریس MDI انجام می‌گیرد که فقط شامل روابط کنونی میان متغیرهاست. اقدام دوم با ماتریس MPDI انجام می‌گیرد که شامل روابط کنونی و بالقوه است. مقایسه خروجی‌ها به درک چگونگی تغییر سامانه تحت تأثیر روابط بالقوه بین متغیرها کمک می‌کند. به‌طور پیش‌فرض، ماتریس‌های MDI و MPDI یکسان هستند.

۳. ماتریس تأثیرات غیرمستقیم^۲

این ماتریس، ماتریسی متناظر با ماتریس تأثیرات مستقیم MDI است که توسط تکرار پی‌درپی تقویت شده است. در اینجا کاربر می‌تواند، تعدادی تکرار تعریف کند که برای ثبات هرچه بیشتر سامانه مفید باشد. نرم‌افزار به‌طور پیش‌فرض، تعداد تکرار لازم برای رسیدن به ثبات را نشان می‌دهد.

۴. ماتریس تأثیرات غیرمستقیم بالقوه^۳ (MPII)

این ماتریس نیز با ماتریس تأثیرات مستقیم بالقوه MPDI یا تکرارهای پی‌درپی متناظر است. کاربر می‌تواند تعداد تکرارهایی را تعریف کند که به‌نظر می‌رسد برای غنی‌سازی ثبات سامانه

1. MPDI
2. MII
3. MPII

لازم باشند. نرم‌افزار به‌طور پیش‌فرض تعداد تکرار لازم برای رسیدن به ثبات را نشان می‌دهد. این ماتریس، یک طبقه‌بندی جدید از متغیرها را برای سامانه تأکید می‌کند.

یافته‌های پژوهش

نتایج آینده‌پژوهی و ارائه سناریو براساس تحلیل تأثیرات متقابل

نتایج ارائه‌شده در این بخش، براساس خروجی‌های نرم‌افزار میک مک ویرایش ۵/۳ است. همان‌طور که پیش از این بیان شد؛ ابتدا باید متغیرهای مسئله به‌صورت سناریو به مدل وارد شوند.

سناریوهای تعریف‌شده در مدل

مدل تحلیلی روابط فیما بین ایران و کشور آمریکا، باید به شکلی توسعه پیدا کند که ویژگی‌های قدرت و فرهنگ، تحت سناریوهای مختلف، منعکس شود. این سناریوها تحت قالب پرسشنامه توسط مدیران و کارشناسان ارشد در زمینه روابط بین‌الملل تکمیل شدند. نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه‌ها در قالب ماتریس تهیه و در محیط نرم‌افزار میک مک آورده شده است (جدول ۲ و ۳). قابل ذکر است که در این تحقیق، دو مجموعه سناریو در نظر گرفته شده است. مجموعه اول مربوط به متغیر قدرت و مجموعه دوم مربوط به متغیر فرهنگ است.

جدول ۲. ابعاد مؤثر در متغیر قدرت

ابعاد مؤثر	گوبه	نام متغیر در مدل
قدرت نظامی	توانمندی و پیشرفت در حوزه صنایع هوا فضا علی‌الخصوص برنامه موشکی ایران	m1
	عداد نیروها و صنایع نظامی نظیر تانک ها، هلیکوپترهای جنگی، هواپیماهای جنگی، ناوهای جنگی، و زیردریایی ها و نقش آنها در مقوله بازدارندگی	m2
قدرت سیاسی - حقوقی	اعمال مدیریت سیاسی کارکردگرا و بازنگری در دکترین سیاست خارجی بعثت پراکندگی قدرت؛ (پراکندگی قدرت: یکی از مهم ترین کلان روندهای جهانی است که منجر به توزیع گسترده تر قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در جهان شده است که معلول انتقال ثروت و قدرت از غرب به شرق و در یک کلام پیدایش قدرت های نوظهور نظیر چین و هند می باشد)	pl1
	حرکت به سمت استفاده از رژیم های جدید حقوقی و موافقتنامه های نسل جدید بین المللی نظیر برجام، لوایح ۴ گانه، توافق محیط زیستی پاریس و به طور کلی بهره مندی از سازوکار نهادها و سازمان های بین المللی	pl2

ادامه جدول ۲. ابعاد مؤثر در متغیر قدرت

نام متغیر در مدل	گویه	ابعاد مؤثر
e1	اعمال سیاست امنیت انرژی و استفاده از سلاح نفت؛ (بعلت مطرح بودن موضوع استقلال انرژی آمریکا، علی الخصوص اشکال غیرمعارف نفت نظیر نفت شیل از یک سو و گسترش بی ثباتی و استفاده از سلاح نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس و کاهش ناگهانی عرضه نفت و افزایش بها در بازارهای جهانی)	قدرت اقتصادی
e2	بازطراحی و برنامه ریزی مجدد دکترین اقتصادی وفق شرایط جدید اقتصاد سیاسی کشور بعد از انقلاب ۵۷ و تلاش در جهت افزایش شاخص های GDP (تولید ناخالص داخلی) و GNP (تولید ناخالص ملی) و تاسیس شرکت های چندملیتی	
e3	افزایش توان اقتصادی و تولیدی و گسترش و رفع موانع تجارت بین الملل	
si1	ارتقاء سطح امنیت ملی از طریق حل و فصل مسائلی مانند سیاست زدگی بیش از حد، عدم اجماع نخبگان فکری در مورد شرایط داخلی و جهانی کشور، ایده آلیسم افراطی، پوپولیسم، اولویت ندادن به منافع ملی به ویژه منافع ملی اقتصادی و الگوبرداری نادرست از شیوه های فرهنگی - اقتصادی کشورهای توسعه یافته	امنیت و اطلاعات
si2	افزایش اعتماد عمومی به دولت و حاکمیت، ایجاد انسجام، حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی از طریق تزریق رضایت به آحاد جامعه و افزایش کارآمدی قوانین و منابع انسانی و جلب حمایت واقعی مردمی	
si3	حداکثرسازی قدرت اقتصادی و نظامی بعنوان دو شاخص اصلی تهدیدات امنیت خارجی ایران، ناشی از تحریم های بین المللی بعنوان راهبرد اصلی در عادی سازی روابط فی مابین و انجام مذاکرات برابر و همسطح	
itc1	کسب مهارت بالا در بکارگیری رسانه های الکترونیک و فضای مجازی، فهم و شناخت مناسبات نوین در عرصه دیپلماسی، درک عمیق از پویایی های فناوری اطلاعات و ارتباطات در سپهر سیاست بین الملل	فناوری اطلاعات و سایر
itc2	گسترش سایبر دیپلماسی (دیپلماسی مجازی) و تبدیل اطلاعات دیپلماتیک از Intelligence (اطلاعات سری) به Information (اطلاعات آشکار) و برقراری ارتباط موثر با مخاطبان عمومی و ایجاد شفافیت	
itc3	افزایش قدرت و توان دفاع سایبری، شناخت چالشهای امنیت سایبری و تدوین استراتژی و سیاست سایبری؛ (در فضای اطلاعاتی امروزی بیشتر فعالیت های Power Based (انرژی مدار)، اعم از فرهنگی، اقتصادی، دیپلماتیک، اجتماعی و... در فضای سایبر بعنوان شبکه وابسته به زیرساخت فناوری اطلاعات مطرح می باشند)	

جدول ۳. ابعاد مؤثر در متغیر فرهنگ

نام متغیر در مدل	گویه	ابعاد مؤثر
l1	تحلیل گفتمان؛ (باتوجه به نقشی که زبان در ساختار قدرت ایفا می‌کند و چه بسا ممکن است زبان یک گروه به ایدئولوژی حاکم تبدیل شود و همچنین موضع یک طرف را نسبت به طرف دیگر تعیین کند)	زبان
	توجه به پدیده زبان، زبانشناسی و تحلیل گفتمان؛ (باتوجه به اهمیتی که هم‌اکنون در سازمان‌های بین‌المللی و کردارهای دیپلماتیک برای زبان قائل هستند)	
	تلاش برای ایجاد دگرگونی در روابط و سیاست خارجی از طریق زبان قابل‌فهم برای دیگران و در چارچوب فهم بین‌الذهانی	
hca1	تبادل و اشتراک میراث هنری از جمله سینما، موسیقی، هنرهای نمایشی و صنایع دستی و گردشگری از طریق بهره‌مندی از فناوری‌های نوین در حوزه IT و ICT از جمله اینترنت و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های جهانی و در یک کلام ایجاد ائتلاف‌های فرهنگی	تاریخ، تمدن و هنر
	تأکید بر اشتراکات و فصل مشترک‌های فرهنگی؛ (تفاوت‌های فرهنگی در سراسر تاریخ، شالوده و اساس رفتار انسان و دولت‌ها را تشکیل داده است)	
	احیای گفتگوی فرهنگ‌ها و مهندسی و تبلیغ تمدن نوین اسلامی	
s1	افزایش همکاری‌های آکادمیک بین‌المللی به‌عنوان یکی از راه‌های افزایش قدرت	همکاری‌های علمی، آموزشی و دانشگاهی
s2	حل‌وفصل مسائل مشترک بین‌المللی از طریق مبادلات و همکاری‌های علمی و فنی	
s3	ارائه خدمات انسان‌دوستانه فناورانه به‌عنوان وجه مهم کارکردی دیپلماسی علمی و فناوری	
d1	به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی کارآمد و مهندسی‌شده از طریق نزدیک‌شدن به افکار و اذهان ملت‌ها	دیپلماسی
	توسعه دیپلماسی عمومی	
	بهره‌مندی از دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی میان‌فرهنگی با رویکرد تنش‌زدایی بین مردم دو کشور و سپس القای آن توسط مردم و افکار عمومی به رهبران دو کشور	
vn1	نفوذ فرهنگی به‌عنوان نظامی از ارزش‌ها، اعتقادات و آداب مشترک افراد اجتماع؛ (که از طریق آن به جهان خود معنا می‌دهند)	ارزش‌ها و هنجارها
	تأثیر، تأثر و نفوذ بر اندیشه و رفتار سیاست‌مداران از طریق شناخت و تغییر باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها	
	توجه به عناصر هنجاری، ارزشی (روابط فیما بین دو کشور عمدتاً بر اسطوره‌ها، فرهنگ و ایدئولوژی متکی است. به عبارت دیگر بدون توجه به این مهم نمی‌توان به دکتترین سیاست خارجی معقول نائل آمد).	

بعد از وارد کردن مقادیر مربوط به ارتباط هر دو متغیر با هم، ماتریس MDI تشکیل شد. براساس این ماتریس، میزان وجود تأثیرات اندازه‌گیری می‌شود. سپس، با تبدیل ماتریس MDI (که ماتریس تأثیرپذیری مستقیم شاخص‌هاست) به ماتریس بالقوه با تبدیل کدهای ۳ به ۲، ماتریس تأثیرپذیری مستقیم بالقوه شاخص‌ها یعنی ماتریس MPDI تهیه شد. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس MDI برای متغیر قدرت در جدول ۴ ارائه شده است. منظور از تعداد تکرار در این جدول، تعداد اجرا شدن برنامه برای رسیدن به پایداری است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، میزان پرشدگی یا وجود تأثیرات، بیش از ۹۲ درصد است که نشان می‌دهد بیش از ۹۲ درصد از عوامل انتخاب‌شده بر همدیگر تأثیر داشته‌اند و ۱۸۲ رابطه قابل ارزیابی وجود دارد. همچنین جدول ۵، این داده‌ها را برای متغیر فرهنگ نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، میزان پرشدگی یا وجود تأثیرات، بیش از ۸۸ درصد است که نشان می‌دهد بیش از ۸۸ درصد از عوامل انتخاب‌شده بر همدیگر تأثیر داشته‌اند و ۲۰۰ رابطه قابل ارزیابی وجود دارد.

جدول ۴. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل مستقیم (MDI) برای متغیر قدرت

متغیرها	ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفرها	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	تعداد P	جمع	درصد پرشدگی
مقدار	۱۳*۱۳	۳	۱۳	۵۱	۷۰	۲۳	۱۲	۱۵۶	۹۲/۳۱

جدول ۵. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل مستقیم (MDI) برای متغیر فرهنگ

متغیرها	ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفرها	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	تعداد P	جمع	درصد پرشدگی
مقدار	۱۵*۱۵	۳	۲۵	۳۵	۱۱۴	۵۱	۰	۲۰۰	۸۸/۸۹

علاوه بر این ماتریس، براساس شاخص‌های آماری با ۳ بار چرخش داده‌ای، نتایج از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده است (جدول ۶). این امر نیز روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن را نشان می‌دهد.

جدول ۶. درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI)

چرخش	درصد تأثیرگذاری برای متغیر قدرت	درصد تأثیرپذیری برای متغیر قدرت	درصد تأثیرگذاری برای متغیر فرهنگ	درصد تأثیرپذیری برای متغیر فرهنگ
۱	۸۶	۱۰۰	۹۴	۹۳
۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در ماتریس متقاطع، جمع اعداد سطرهای هر عامل، میزان تأثیرگذاری و جمع ستون، میزان تأثیرپذیری هر عامل از عوامل دیگر را نشان می‌دهد

جدول ۷. مجموع مقادیر ردیف و ستون هر متغیر براساس خروجی نرم‌افزار میک مک

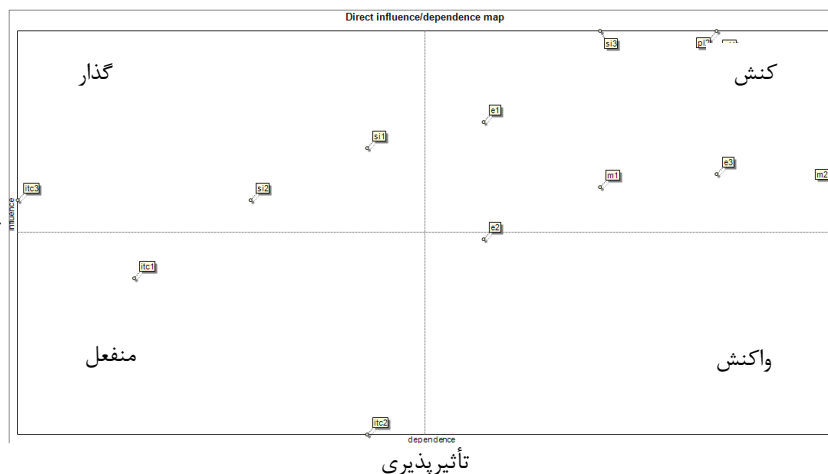
برای متغیر قدرت (برای ماتریس MDI)

متغیر	ابعاد مؤثر	ردیف	مجموع مقادیر ردیف (تأثیرگذاری)	مجموع مقادیر ستون (تأثیرپذیری)	تحلیل
قدرت نظامی	قدرت نظامی	m1	۱۹	۲۱	تأثیرپذیر
		m2	۲۱	۲۳	تأثیرپذیر
	قدرت سیاسی - حقوقی	pl1	۲۹	۲۲	تأثیرگذار
pl2		۳۱	۲۲	تأثیرگذار	
قدرت اقتصادی	قدرت اقتصادی	e1	۲۴	۲۰	تأثیرگذار
		e2	۱۵	۲۰	تأثیرپذیر
		e3	۲۰	۲۲	تأثیرپذیر
امنیت و اطلاعات	امنیت و اطلاعات	si1	۲۲	۱۹	تأثیرگذار
		si2	۱۸	۱۸	برابر
		si3	۳۱	۲۱	تأثیرگذار
فناوری اطلاعات و سایبر	فناوری اطلاعات و سایبر	itc1	۱۲	۱۷	تأثیرپذیر
		itc2	۰	۱۹	تأثیرپذیر
		itc3	۱۸	۱۶	تأثیرگذار

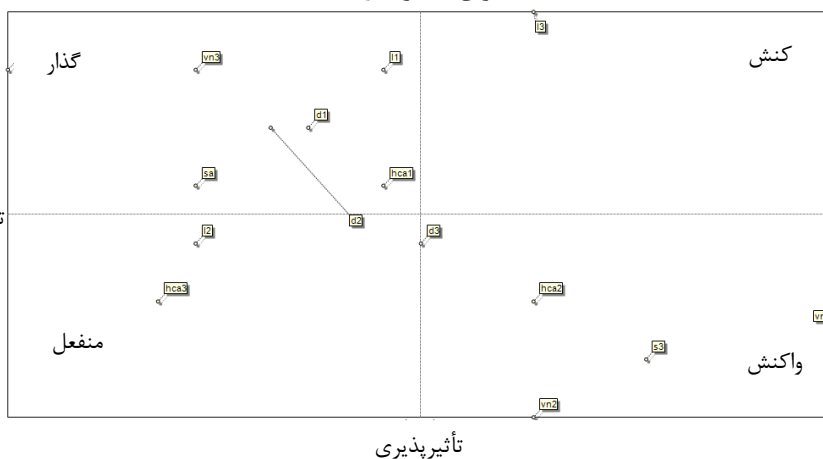
جدول ۸. مجموع مقادیر ردیف و ستون هر متغیر براساس خروجی نرم افزار میک میک برای متغیر فرهنگ (برای ماتریس MDI)

متغیر	ابعاد مؤثر	ردیف	مجموع مقادیر ردیف (تأثیرگذاری)	مجموع مقادیر ستون (تأثیرپذیری)	تحلیل
فرهنگ	زبان	l1	۳۰	۲۸	تأثیرگذار
		l2	۲۷	۲۳	تأثیرگذار
		l3	۳۱	۳۲	تأثیرپذیر
	تاریخ، تمدن و هنر	hca1	۳۰	۱۸	تأثیرگذار
		hca2	۲۸	۲۳	تأثیرگذار
		hca3	۲۵	۳۵	تأثیرپذیر
	همکاری‌های علمی، آموزشی و دانشگاهی	s1	۲۹	۲۶	تأثیرگذار
		s2	۲۹	۲۵	تأثیرگذار
		s3	۲۷	۲۹	تأثیرپذیر
	دیپلماسی	d1	۲۶	۴۰	تأثیرپذیر
		d2	۲۴	۳۲	تأثیرپذیر
		d3	۳۰	۲۳	تأثیرگذار
	ارزش‌ها و هنجارها	vn1	۲۸	۲۸	برابر
		vn2	۲۶	۳۲	تأثیرپذیر
		vn3	۲۶	۲۲	تأثیرگذار

برای درک بهتر میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل از نمودار استفاده می‌شود. نمایش آنها در قالب نمودار مفهومی با محور مختصات (تأثیرگذاری - تأثیرپذیری) است. شکل ۱ و ۲ موقعیت شاخص‌های مورد ارزیابی را در تحلیل تأثیرات مستقیم در مورد متغیرهای قدرت و فرهنگ نشان می‌دهد.

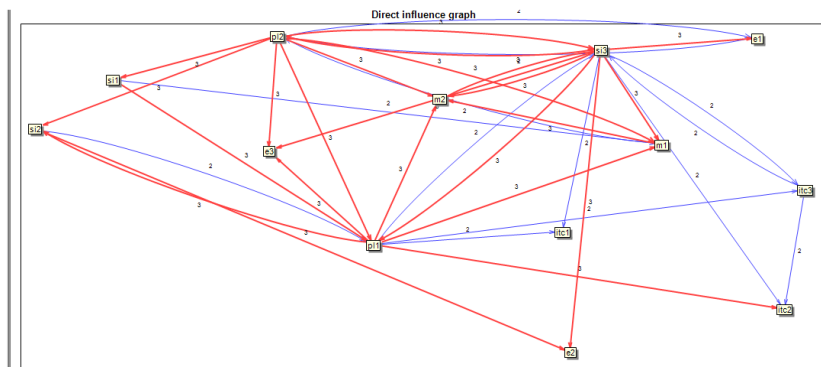


شکل ۱. پراکنش متغیرها در پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) برای متغیر قدرت



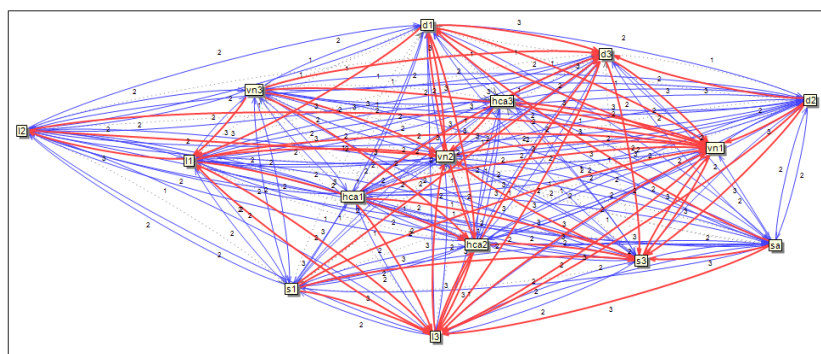
شکل ۲. پراکنش متغیرها در پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) برای متغیر قرهنگ

براساس شکل‌های ۱ و ۲، متغیرهایی که در محدوده کنش قرار دارند، دارای بیشترین نفوذ و تأثیرپذیری هستند. همچنین، متغیرهایی که در محدوده گذار قرار دارند، دارای بیشترین نفوذ و کم‌ترین تأثیرپذیری هستند. متغیرهایی که در محدوده واکنش قرار دارند، دارای بیشترین تأثیرگذاری و کم‌ترین تأثیرپذیری هستند. متغیرهایی که در محدوده منفعل قرار دارند، دارای کم‌ترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هستند.



شکل ۳. تأثیرات مستقیم بین شاخص‌ها و روابط بین آنها (طیف ضعیف‌ترین تغییرات تا قوی‌ترین تأثیرات) در متغیر قدرت

در شکل ۳، تأثیرات ابعاد متغیر قدرت بر یکدیگر نشان داده شده است. همان‌طور که در این گراف مشخص است، تأثیرات بسیار ضعیف با نقطه‌چین آبی، تأثیرات ضعیف با خط مشکی، تأثیرات متوسط با خط آبی، تأثیرات به نسبت قوی با خط پررنگ آبی و تأثیرات بسیار قوی با خط قرمز نشان داده شده است. همچنین در شکل ۴ به همان صورت، تأثیرات ابعاد متغیر فرهنگ بر یکدیگر نشان داده شده است.



شکل ۴. تأثیرات مستقیم بین شاخص‌ها و روابط بین آنها (طیف ضعیف‌ترین تغییرات تا قوی‌ترین تأثیرات) در متغیر فرهنگ

بحث و نتیجه‌گیری

ترکیب پیچیده‌ای از متغیرها در اتخاذ انواع سیاست‌های خارجی هر دولت، مؤثر است. متداول‌ترین دیدگاه که دربرگیرنده و تجمیع‌کننده این عوامل و متغیرهاست، نظریه واقع‌گرایی «نئوکلاسیک» است که منابع سیاست خارجی را در عوامل سیاست داخلی و با در نظر گرفتن فشارهای نظام‌یافته می‌داند. این چارچوب نظری به دلیل، عاملیت‌بخشی مؤثر به نقش متغیرهای سطح داخل در شکل‌دهی به سیاست داخلی ایران، فهم بهتری از سیاست خارجی به دست می‌دهد. از این رو، بررسی نقش متغیرهای سطح داخل کشور از جمله قدرت و فرهنگ، در متأثر ساختن روند سیاست خارجی ایران، قابلیت پژوهش یافته است.

در این تحقیق، روابط ایران و آمریکا از دو منظر قدرت و فرهنگ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داده‌اند که از منظر قدرت، قدرت سیاسی - حقوقی، قدرت نظامی و قدرت اقتصادی بیشترین اثر را در روابط ایران و آمریکا دارند که با گذر زمان، اثرگذاری قدرت نظامی افزایش خواهد یافت. بنابراین، از منظر مؤلفه قدرت، توانمندی و پیشرفت در حوزه صنایع هوافضا علی‌الخصوص برنامه موشکی ایران، تعداد نیروها و صنایع نظامی نظیر تانک‌ها، بالگردهای جنگی، هواپیماهای جنگی، ناوهای جنگی و زیردریایی‌ها و نقش آنها در مقوله بازدارندگی دارای بیشترین احتمال اثرگذاری بر روابط ایران و آمریکا خواهند بود. بنابراین، اعمال مدیریت سیاسی کارکردگرا و بازنگری در دکترین سیاست خارجی به‌عزت پراکندگی قدرت، حرکت به سمت استفاده از رژیم‌های جدید حقوقی و موافقتنامه‌های نسل جدید بین‌المللی نظیر توافق محیط‌زیستی پاریس و به‌طور کلی بهره‌مندی از سازوکار نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، افزایش توان اقتصادی و تولیدی و گسترش و رفع موانع تجارت بین‌الملل و حداکثرسازی قدرت اقتصادی و نظامی به‌عنوان دو شاخص اصلی تهدیدات امنیت خارجی ایران، ناشی از تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان راهبرد اصلی در عادی‌سازی روابط فیما بین و انجام مذاکرات برابر و همسطح، بهترین رویکردهای مدیریت روابط در آینده پیش روی روابط بین دو کشور است. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به نیروهای پیشرانی همچون همسویی منافع در موضوعات منطقه‌ای، ضررهای مشترک ناشی از اعمال تحریم‌ها، کسب پرستیژ سیاسی، هزینه‌های هنگفت برخورد و تقابل مستقیم میان طرفین، ایران و آمریکا

را در نهایت به سمت حل مشکلات و آغاز روابط دوجانبه پیش خواهد برد که نتایج بررسی روابط از منظر قدرت نیز مؤید این مطلب است.

در مورد تحلیل شاخص‌ها از منظر مؤلفه فرهنگ باید بیان کرد که بنابر نتایج نهایی به دست آمده در این تحقیق، تلاش برای ایجاد دگرگونی در روابط و سیاست خارجی از طریق زبان قابل فهم برای دیگران و در چارچوب فهم بین‌الذهانی از جمله شاخص‌های مهم عامل زبان است که بر روابط ایران با امریکا، نقش مهم و اساسی دارد. قابل ذکر است که عامل تاریخ، تمدن و فرهنگ بر روابط ایران و امریکا نقش مهمی ندارد و عامل دیپلماسی در روابط ایران و امریکا پررنگ نیست.

منابع

فارسی

۱. آشنا، حسام‌الدین (۱۳۹۰)، درآمدی بر قدرت هوشمند: مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲. بریکمون، ژان (۱۳۸۸)، امپریالیسم بشردوستانه، ترجمه نسترن موسوی و اکبر معصومی‌بیگی، تهران: بازتاب نگار.
۳. تولایی، محمد (۱۳۸۷)، تحلیلی بر گفتمان هیئت حاکمه جدید آمریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ش ۴۱: ۱۵۱ - ۱۳۱.
۴. جعفری موحد، حسین (۱۳۹۴)، رابطه ایران با ایالات متحده آمریکا؛ امکان یا امتناع؟، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ونهم، ش ۳: ۱۳۱ - ۱۰۵.
۵. خسروی، غلامرضا (۱۳۸۷)، آمریکا و خاورمیانه: راهبردها و چالش‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. عباسی، حمید (۱۳۹۲)، نقش قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴ - ۱۳۹۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. قربانی، شیخ‌نشین؛ کرمی، کامران و عباس‌زاده، هادی (۱۳۹۰)، قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن، فصلنامه روابط خارجی، ش ۴: ۱۵۰ - ۱۲۵.
۸. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، بسیج و تولید امنیت نرم، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج: ۷۹ - ۵۶.
۹. محمدی، منوچهر (۱۳۸۶)، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۰. مولایی، محمدمهدی و طالبیان، حامد. (۱۳۹۵). آینده پژوهی مسائل ایران با روش تحلیل ساختاری، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ۸۶: ۳۲ - ۵.

انگلیسی

1. Nye, Joseph (2004), "Soft Power And American Foreign Policy", Political Science Quarterly , volume 119, Number 2, Summer, 222- 270.
2. Ripsman, Norrin. (2009). Neoclassical realism and domestic interest groups, in Steven Lobell, Norrin Ripsman & Jeffrey Taliaferro (eds). (Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy, Cambridge: Cambridge University Press.
3. Alan Chong, (2015), " Smart power and military force: An introduction" , The journal of strategic studies, vol.38, No3: 233-234.

مجله سیاست دفاعی، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۸، پاییز ۱۳۹۸

۱۷۰